

فلسفه و انتقاد آن

از ابتدای صدم هفده رجحان مخالفت مدرسوی در بین اهل‌الی‌عام گردید - اکویناس (فیلسوف مشهور) از دقیق اسالیب حضوری آن بر افر وخته رساله (سواریز) هم این آتش فروزان را خاموش کرده توانست - فلسفه جدید دیکارت با اینکه تعلیمات مدرسی را از اساس بر انداخته و بر مطلع علمی اروپا سریعاً موثر شد باز هم بهمان روح سابق خود کار فرماست. دیکارت که ما هر (ما بعد الطبیعیات) تصور شده است در جواهر متضاد ذهن و ماده تفریق نموده و نسبت به هستی خداوند «ج» ثبوت جدید بهم رسا نیده است .

همعصرانش نسبت بآن رأی داشتند مثلیکه درین روزها نسبت به (هربرت اسپنسر) دارند یعنی مومی الیه چنان یک شخص فهمیده تصور میشد که بار تقای کائنات قائل بوده (ماده) را به (ماده و حرکت) تقسیم نموده و از تصادم قوانین کار گرفته و گردش افلاک، دوران خون، ارتباط ذهن و جسم، نفوذ روح، انحراف نور را با حسن الوجوه توجیه نموده است .

دیکارت در سنه ۱۶۵۰ فوت کرد - کتاب لاک نسبت بفهم انسانی در سنه ۱۶۹۰ شائع و از نشر آن یک باب جدید در تاریخ فلسفه مفتوح گشت این باب از عملیاتی بود که از غور بآن فلسفه صورت تنقید را اختیار نمود - هر چند (لائب نر)

که روایت و هستان عقل آفاقی را حامل بود و (وولف) نسبت بمباحث اخلاقی و طبیعی مجلات متعددی را تصنیف و شائع کرده بود باز هم این رجحان موضوعی در ترقی ماند چنانچه (لاک) سجاده خود را به (هیوم) و (هیوم) به (کانت) تفویض نموده و از آنوقت لفظ فلسفه از نظریات طبیعی گذشته بیشتر به شیوه اخلاقی و عقلی مائل گردیده بنام (فلسفه اخلاقی یا ذهنی) و یا (فلسفه ذهن انسانی) یاد میشد تا که در بین آن و فلسفه فطرت یا طبیعیات یک امتیاز قائم گردید.

روایت قدیم هم بهتر است و هم مکمل - دانستن خصوصیات دنیائیکه در آن زیست داریم آنقدر مهم است مثلیکه دانستن چگونگی امکان آن؟ با وجود آن خیال بیشتر از معتقدین کانت این بود که علم موخر الذکر عبارت از علم فلسفیا نه است - انسانهای عامه این مسئله را که (فطرت چگونه است؟) آنقدر رد لچسپ میدادند مثلیکه کانت سوال هذرا که (فطرت چگونه ممکن است؟) بنظر بلند می بیند اگر فلسفه بخواهد که جلب نظر انسانها را بنماید برایش لازمست که از موضوع ذهنی گذشته بدنیای خارجی عطف توجه نماید چه میلان مردم به معرفت بیشتر شده میرود (۱) معنی حقیقی فلسفه عموماً غور نمودنست در چیزیکه بکلیات تعلق دارد نه بجزئیات! باز هم انسان بچیزیکه فکر میکند طرز آن همیشه یکسانست چنانچه دائماً انسان مشاهده میکند امتیاز و تفاوتها بر روی گویای آوردن از تعمیم کار میگیرد عمل تبویب را انجام میدهد ب جستجوی علل می براید به ممالک آنها را پیدا میکند اغراض ترتیب میدهد اما اگر فلسفه را از سائنس جدا تصور کنیم آنگاه اسلوب خاص آن باقی نمی ماند - وضعیت فکر انسان بیک نوع باقی نمانده چندین مرتبه دور میخورد که دو دور آنها نهایت مهم است یکی آنکه در اظهار نمودن یقینیات خود تردد پیدا میکند دوم اینکه تصدیق و توثیق آنرا صورت عادی خیال میکند (۲) از بن معلوم میگرد که

۱ «پاسن در «مقدمه فلسفه» این زاویه نظر را ترجمانی خوبی کرده - از صفحه ۱۹ الی ۴۴ ملاحظه شود» مصنف

۲ «کتاب جی ۰ ایچ لوئیس رادرباب چهارم «ارسطو» مطالعه کنید» مصنف

فکر ما از کدام درجه با این حالت موجوده ارتقا نموده است. آگست کونت (فیلسوف فرانسوی) فلسفه را بنام (۱) (فلسفه ایجابی) تر تیب و تقدیم داشته و خیال دارد که فکر انسان سه مرحله را یکی بعد دیگری طی کردنیست: هر حله اول آن الهیات، هر حله دوم (ما بعد الطبیعیات) و هر حله سوم آن حکمیات میباشد - فکر در هر حله الهیاتی، توجیه مظاهر را توجیه می کند، در هر حله (ما بعد الطبیعیاتی) خواص ذاتیه مظاهر را بصورت تصورات مجرد تبدیل نموده قرار میدهد که مظاهر را توجیه و بعموم تقدیم کند و در هر حله حکمیاتی یا ایجابی بیانات مظاهر را بصورت سائنسی فک (یعنی باندازه ساده و راست) بیان میکند مثلاً در گردش سیارگان، نظریه الهیاتی اینست که آنها را واح عامله بوده در قسمت انسانی، حسه و رابطه دارند و نظریه (ما بعد الطبیعیاتی) نسبت به سیارگان اینست که در آنها کشش و جاذبه موجود است و نظریه ایجابی در آنخصوص اینست که آنها تابع مربعات کلیه هستند. کونت مذکور میگوید که از مطالعه انسانیات معلوم شده که انسان در ابتدا الهیات و ما بعد الطبیعیات را بصورت غیر منظم مخلوط کرده است بعقیده مشار الیه بچیزهای معمولی حاجت توجیه نبود اما بچیزهای مهم مثلاً موت، مرض و مصیبت توجیهات ضرور فهمیده میشد - اسرار هر شی مبنی بر قوت و تاثیر آن بود یعنی هر چیز که هر قدر مخوف میبود هماتقدر اسرار قویه آن بظهور میرسید - نظر با فکر قدیم در هر شی بزرگ

(۱) فلسفه ایجابی درشش جلد مطبوعه پاریس است از صفحه ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۲

آن دیده شود (مصنف)

لفظ (من) (۱) لزوماً یافت میشد که بدان واسطه گفته میتوانیم: چیزیکه در زمان قدیم فلسفه گفته میشد کنون بنام (سحر احساسی) یاد میشود یعنی اگر بر چیزی که اثر انداختن مطلوب میبود ضرر بود که یا خود آن شی و یا در صورت دستیاب نشدن آن، مثل و مشابه آن را دستیاب میکردند - بهمین صورت اگر خراب کردن دشمن مطلوب میبود مجسمه آنرا میساختند و باموی و ناخن و یاد دیگر چیز او را حتی نامش را بر کاغذ نوشته و آنرا میسوختانند با اجرای این کار، گو یا دشمن و یا قائم مقام آنرا اذیت کرده میبودند.

هکذا اگر طالب باران میشدند بر زمین آبیاشی میکردند و یا جریان هوا بکار میداشتند صغیر میزدند و یا اگر تکثیر میوه زود در باغ بکار میداشتند سنگی را بمشابه میوه مطلوب پیدا کرده در باغ دفن میکردند و با علاج برقان مطلوب میبود چهره مریض را بزرد چوبه زرد میساختند و یا رفع درد سر مطلوب میبود بخوردن شیره خشک خاص که مثل سر کرویست اکتفا میکردند - خلاصه اینکه از روی نظریه نشا بهات در آغاز طبابت علاج و معامله کرده میشد -

«باقی دارد»

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

(۱) در زبان آستریشیائی يك لسان پولی نیشیائی است که در آن لفظ (من) استعمال میشود - اعتقاد عمومی باشند گمان قدیم جزائر پولی نیشیائی مذکور چنین بود که در اشخاص بزرگ مثل سردارها، طبیبها و مشاهیر زمان يك قوت پراسرار میباشد که بدان واسطه هر چه میخواستند کرده میتوانند - این قوت به اشیای بیجان و جاندار نیز منسوب کرده میشد (مترجم اصل جمله).

بای رمزی انجول

این اسم فامیلی مدیر دارالمعلمین اساسی یغمان است که در اواخر سنه گذشته از طرف نماینده محترم معارف در ترکیه باموافقت حکومت بهیه جمهوری ترکیه استخدام و در اوائل سنه جاری وارد کابل گردیده فوراً بعد از تهیه امور مقدماتی جهت معارف از طرف بعضی از رؤسای وزارت بصیغه قشنگ یغمان رفته بوظیفه خود آغاز نموده است. شخصیت اخلاقی، علمی و فنی موصوف از مراحل حیاتی که در شعبات تحصیل خود صرف کرده است، در ضمن ترجمه مختصر حالی که از قلم خود موی الیه تشریح کرده و ما باندک تصرف اقتباس نموده اینک در ج مجله می کنیم: بخوبی



معلوم خواهد شد :- *پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
رتال جامع علوم انسانی

بای رمزی انجول (عکس متن) پسر حلمی انجول بوده در ششم ماه نشرین تانی (نومبر) سنه ۱۹۰۹ عیسوی مطابق سنه (۱۳۲۵) هجری قمری در مرکز (قیر قراپلی) تولد یافته است دوره شش سال تحصیل ابتدائی را در مکتب خواه خضر مرکز ولایت مذکور تکمیل نموده سپس بسال ۱۹۲۴ (۱۳۴۰) باصا بقیه دارالمعلمین موفق گردیده که شامل بشود در اینجا پنج سال تحصیل نموده بسال ۱۹۲۹ فارغ التحصیل و بسمت معلمی مکتب ابتدائی مرکزی ولایت (چانقری) موظف شده است.

بعد از مصروفیت يك و نیم سال بفرصت تحصیلات مسلکی بموسسه تربیوی (انستیتوسی تربیه غازی) در امتحان شعبه پیدا گوژی موفق شده داخل موسسه مذکور گردید.

متعاقب آن دوره چهار ساله تحصیلات عمومی و مسلکی آنرا در سال ۱۹۳۴ بموفقیته طی نموده در نتیجه به مفتشی تدریسات ابتدائی مرکز ولایت اقره موظف شده است. درین وظیفه زیاده بر یکسال مصروف گردیده سپس برای تکمیل تحصیل اختصاصی عازم آلمان شده در دارالمعلمین عالی (Hochschule für Lehrerbildung) در شهر Bonn آلمان غربی «تحصیلات خویش را دو سال با موفقیته با ختم رسائیده پس ازان بوطن مراجعت نموده و باره بوظیفه مفتشی تدریسات ابتدائی مرکز اقره دوام کرده است.

در اوایل خرداد يك و نیم سال مفتشی مرکز خود در اثر انتخاب و موفقیته حکومت متبوعه خویش بسمت مدیریت دارالمعلمین اساسی عازم افغانستان شده است. اینک فقرات فوق بخوبی نشان میدهد که بای زهزی انجول محضاً برای تعلیم و تربیه سررشته شده و بضمون (قلل کتاب عمل علی شاکلته) شخصاً ما مور تربیه و تعلیم گردیده. طوریکه مشارالیه برای تربیه جوان مفید و مثمر بعمل آمده است. سنه از اولاد افغان را با درایت و علم خود فوج تربیه و اعتماد خواهد ساخت و بنیاد دارالمعلمین را در ضمن علاقہ های ملی و روحی هدف تربیه ملی را با صنعت تربیه عمومی یکجا کرده ضابطان اردوی تربیه صحیحی بار خواهد آورد.